



عطر اعتصاب نفت در مشام جامعه



اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری پیوسته در حال افزایش است. دامنه فشارهای اقتصادی، معیشتی و اجتماعی چنان بالاگرفته و نارضایتی کارگران تا بدان حد تشدید شده است که اعتراض و تجمع و اعتصاب به امری ناگزیر و روزمره در صنایع و کارخانه‌ها و مؤسسات گوناگون تبدیل شده است.

اعتصاب و اعتراض و تجمع‌های خیابانی اگرچه به کنش روزمره زحمتکشان شهر و روستا و در صفحه ۳

یاغی‌گری جمهوری اسلامی در منطقه و نتایج آن

"انتقام سخت" برای جمهوری در حال احتضار اسلامی، جز آبروریزی دستاورد دیگری نداشت. در این میان تنها مردم غیرنظامی به‌ویژه کودکان بودند که در "انتقام سخت" قربانی حملات نظامی تجاوزکارانه جمهوری اسلامی شدند.

براساس اطلاعیه سپاه پاسداران، سه شنبه ۲۶ دی این نیروی نظامی با ۲۶ موشک به اربیل در عراق و ادلب در سوریه حمله کرد. ساعاتی بعد نیز سپاه پاسداران از حمله موشکی به منطقه سبزکوه در جوار شهر پنجگور پاکستان خبر داد. از نتایج اصابت موشک‌های سپاه به ادلب سوریه، منطقه‌ای که تحت کنترل گروه اسلام‌گرای "تحریرالشام" قرار دارد، تاکنون اخبار چندانی منتشر نشده است. اما براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، به جز صدای چهار انفجار در جنوب شرقی حلب مناطق تحت‌کنترل شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی، تنها یک انفجار در درمانگاهی روستایی در شمال غربی ادلب و یک انفجار در نزدیکی دیوار بیرونی زندان غویران که رهبران و اعضای داعش در آن زندانی هستند گزارش شده است. در پی انفجار در نزدیکی زندان غویران، تعدادی از زندانیان داعش تلاش کردند از زندان بگریزند که در پی مقابله نگهبانان زندان ناکام ماندند.

"اینجا برای آه کشیدن هوا سم است"

راهپیمایی اعتراضی است. آنچه بیش از همه در تظاهرات ۲۶ دی چشمگیر است، گستردگی شعارها و انبوه دست نوشته‌هایی است که اغلب قریب به اتفاق معترضان خیابانی با خود حمل می‌کردند.

"اراک هوا ندارد"، "مازوت سوزی را متوقف کنید"، "هوای پاک حق ماست"، "مازوت سوزی در صفحه ۱۰

روز سه شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲، مردم اراک در اعتراض به استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه شازند که به آلودگی شدید هوای این شهر منجر شده است در صوفی متحد و یکپارچه به خیابان آمدند و خواهان توقف سوخت مازوت در نیروگاه شازند شدند. تصاویری که در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی انتشار یافته، حاکی از حضور پررنگ لایه‌های مختلف مردم اراک در این

ترک اعتیاد،

صنعتی در دست نیروهای امنیتی و انتظامی!

فرهنگی و اجتماعی و فقدان چشم انداز هم بر شمار معتادان افزوده و هم مجموعه دیگری از ناهنجاری‌های اجتماعی را به همراه داشته است.

آمار چه می‌گوید؟ طبق آمار موجود - که با آمار واقعی و دقیق فاصله دارد- از هر ۶ نفر، یک نفر در کشور مصرف‌کننده مواد مخدر است یعنی جمعیتی بالغ بر ۱۵ میلیون نفر. به گفته ابوالحسن صفرپور دبیر "میز مقابله با اعتیاد شورای عالی انقلاب فرهنگی"، از این تعداد ۵ میلیون تن مصرف‌کننده مستمر مواد مخدرند.

در صفحه ۵

با این که هر از چند گاه یک بار اخباری در مورد مبارزه با اعتیاد، «جمع‌آوری معتادان متجاهر» و اعزام آنها به کمپ‌های ترک اعتیاد و «بازپروری» با بوق و کرنا از سوی مقامات جمهوری اسلامی اعلام و سرتیتر رسانه‌ها می‌شود، اما واقعیت امر چیز دیگری است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اعتیاد نه تنها کاهش نیافته بلکه برعکس، هر روز زمینه‌های بیشتری برای شیوع این مصیبت در میان اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی ایجاد شده است. فقر، بیکاری، ناامیدی، فشارهای عدیده

تنها نکته، استفاده سپاه پاسداران از موشک "خبرشکن" با برد ۱۴۵۰ کیلومتر در این حملات است. موشکی که در تنوری می‌تواند برای مثال از مناطق مرزی کرمانشاه شهر حيفا در اسرائیل را مورد هدف قرار دهد که حدود ۱۳۰۰ کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند.

در جریان حمله موشکی به اربیل عراق، سپاه پاسداران خانه یک سرمایه‌دار گُرد به نام "پیشرو دزهای" را با چهار موشک مورد حمله قرار داد که براساس اخبار منتشره، پیشرو دزهای، کودک یازده ماهه‌ای او، یک تبعه فیلیپین و یک تاجر مسیحی عراقی به نام کرم میخائیل (ساکن دویی) کشته و همسر پیشرو دزهای به همراه دو فرزند

در صفحه ۲

تأثیر متقابل جامعه و شعر - ترانه بر یکدیگر - از جنبش مشروطه تا کنون

بخش چهارم - از ۱۳۳۲ (کودتای ۲۸ مرداد محمد رضا خانی)
تا بهمن ۱۳۴۹ (حماسه سیاهکل)

در صفحه ۷

زنده باد اتحاد مبارزاتی
کارگران صنعت نفت

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

یاغی‌گری جمهوری اسلامی در منطقه و نتایج آن

دیگرش مجروح شدند. در پی این حمله، سپاه پاسداران مدعی شد که به مرکز "موساد" حمله کرده است، اما دولت عراق به شدت این ادعا را مردود دانست. قاسم اراجی مشاور امنیت ملی عراق که از سوی نخست‌وزیر عراق مامور تحقیق در مورد این حمله شده است، بار ادعای جمهوری اسلامی گفت: "در مورد ادعای حضور مقر موساد اسرائیل، ما از خانه بازدید کردیم، هر گوشه آن را بررسی کردیم و همه چیز نشان می‌داد که خانه خانوادگی یک تاجر عراقی است". منزل پیشرو دزه‌ای که در این حمله مورد اصابت قرار گرفت، تنها چند کیلومتر با پایگاه نظامیان آمریکا در اربیل فاصله دارد.

در حمله موشکی و پهپادی سپاه به منطقه "سبزکوه" در جوار شهر پنجگور پاکستان نیز ۲ کودک و یک دختر نوجوان کشته و دوزن نیز به شدت مجروح شدند. براساس اطلاعیه گروه "جیش‌العدل" این حمله به منازل خانواده‌های اعضای این گروه بود و فقط همسران و کودکان‌شان در آن خانه‌ها زندگی می‌کنند.

در پی حمله سپاه پاسداران به خاک پاکستان، دولت پاکستان به شدت این اقدام را محکوم کرد و تمام ملاقات‌های پیش‌بینی شده با مقامات جمهوری اسلامی را تعلیق کرد. دولت پاکستان با فراخواندن سفیر خود از ایران، اعلام کرد که سفیر جمهوری اسلامی نیز اجازه بازگشت به پاکستان را ندارد. همچنین اعضای هیات پاکستان به دستور دولت این کشور نمایشگاه چابهار را ترک کرده و به کشور خود بازگشتند. این نمایشگاه با حضور وزیر کشور، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و تعداد دیگری از مقامات جمهوری اسلامی به همراه هیات‌هایی از کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق و عمان در شهر چابهار در حال برگزاری بود.

دولت پاکستان به تلافی حمله سپاه پاسداران، روز پنج‌شنبه به دو روستای حق‌آباد (هک‌آباد) و شمسر در محدوده شهرستان سراوان حمله موشکی کرد که ۱۰ نفر (۵ کودک، یک نوجوان و ۴ زن) کشته و تعدادی مجروح برجای گذاشت. "بابر دوست" ۲ ساله، "هانی دوست" ۳ ساله، "چراغ دوست" ۲ ماهه، ماهکان بلوچ ۳ ساله نام ۴ تن از کودکان کشته شده است.

ارتش پاکستان در حالی مدعی شد که هدف از این حمله نابودی پایگاه‌های گروه "سرمچاران" است که این گروه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در ایران هیچ پایگاهی ندارد و پاکستان به مناطق مسکونی حمله کرده است.

پس از کشته شدن ده انسان که ۶ تن‌شان کودک بودند، مقامات جمهوری اسلامی از جمله احمد وحیدی وزیر کشور و قیحه‌انه ادعا کردند که "کشته شدگان تبعه خارجی بودند". در واقع جمهوری اسلامی از آن‌جا که قادر به ادامه آتش‌بازی در مرزهای ایران و پاکستان نبود برای توجیه ناتوانی خود، در اوج دلالت، کودکان و زنان بلوچ را تبعه خارجی نامید و با این سخنان، ادعاهای دولت پاکستان را به‌منوعی تأیید کرد و توجیه کرد. اما برخلاف سخنان وزیر کشور، فداحسین مالکی نماینده مجلس اسلامی از

زاهدان گفت: "گروه سرمچاران در داخل ایران وجود ندارد". سعیدی نماینده مجلس اسلامی از چابهار نیز گفت: "برخلاف آنچه که بیاتیه وزارت خارجه پاکستان اعلام می‌کند هیچ گروه تروریستی علیه این کشور در خاک ایران وجود ندارد".

دولت عراق نیز که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی دارد، ضمن لغو تمام دیدارهای مقامات خود با مقامات جمهوری اسلامی از جمله دیدار نخست‌وزیر اقلیم و وزیر خارجه عراق با امیرعبداللهیان در اجلاس داووس، از دولت ایران به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد. دولت عراق همچنین خواستار برگزاری فوری اجلاس اتحادیه عرب برای رسیدگی به این حمله شد که اتحادیه عرب نیز در اجلاس خود اقدام جمهوری اسلامی را محکوم و آن را خطری برای امنیت منطقه دانست. در این میان وزیر دفاع عراق با بیان این‌که "حملات جمهوری اسلامی به اربیل در تضاد با توافق‌نامه امنیتی دو جانبه اخیر است"، گفت: "امکان تعلیق این توافق‌نامه وجود دارد".

در واقع هیچ دولتی در جهان از اقدام جمهوری اسلامی حمایت نکرد. دولت آمریکا نیز فرصت را غنیمت شمرد و وزیر خارجه آن گفت: "دولت ایران بزرگترین خطر برای امنیت منطقه است". وی در ادامه گفت: "حل بحران اسرائیل و فلسطین با کمک کشورهای منطقه، می‌تواند جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش را منزوی کند". جو بایدن نیز گفت: "حملات متقابل میان ایران و پاکستان نشان می‌دهد تهران مورد قبول هیچ‌کس در منطقه نیست".

بعد از آغاز جنگ غزه و بی‌عملی مطلق جمهوری اسلامی در دفاع از "مردم فلسطین"، آن‌هم در حالی که فرمانده سپاه قدس در سوریه توسط اسرائیل کشته شد و داعش خراسان نیز در مراسم دولتی سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی با بمب‌گذاری انتحاری حدود ۱۰۰ نفر را به قتل رساند، جمهوری اسلامی برای نشان دادن عکس‌العمل شدیداً تحت‌فشار بود.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی در اوج درماندگی، آن‌هم در حالی که منطقه خاورمیانه در وضعیت بحرانی خاصی قرار دارد، با این حملات به‌منوعی اقدام به خودزنی کرد. عموماً عکس‌العمل در شرایط استیصال نه تنها نتیجه‌ای مثبت بدنبال نمی‌آورد که عمدتاً نتایج آن برعکس خواهد بود، دقیقاً اقدامی که جمهوری اسلامی به آن دست زد. جمهوری اسلامی بارها دست به حملاتی در کردستان عراق و با خاک پاکستان زده بود، اما هرگز با واکنشی به این شکل روبرو نشده بود. اشتباه محاسباتی جمهوری اسلامی در شرایط استیصال، باعث شد تا جمهوری اسلامی حتا در موقعیتی بدتر از قبل قرار گیرد.

اما هدف جمهوری اسلامی چه بود؟! جمهوری اسلامی در حالی که از ۷ اکتبر همواره پشت "نیروهای نیابتی" قائم شده بود، هم از داخل و هم از خارج از سوی "نیروهای خودی" تحت فشار بود تا اقدامی علیه دولت اسرائیل انجام دهد. این خوش‌گمانی به‌ویژه در سخنان روزهای اول مقامات حماس کاملاً آشکار بود. ترور فرمانده

سپاه قدس در سوریه، بمب‌گذاری در کرمان و دیگر اقدامات مشابه، اما راه دیگری برای جمهوری اسلامی باقی نگذاشتند تا در ظاهر با اقداماتی نظامی "انتظار عمومی از انتقام سخت" را برآورده کند. سکوت جمهوری اسلامی نه فقط در میان "نیروهای نیابتی" بلکه در داخل کشور نیز تبعات منفی زیادی داشت. سکوت جمهوری اسلامی به باور عمومی بیان روشن و آشکار ناتوانی و ضعف‌های حکومت بود. آن‌هم در شرایطی که از سوی جامعه درگیر یک بحران انقلابی است و از سوی دیگر سیاست حکومت در برابر توده‌های تحت ستم ایران تنها "مشت آهنین" است.

رسانه‌های مزدور جمهوری اسلامی بعد از این عملیات هم‌صدا با مقامات فاسد حکومت همگی از "انتقام سخت از موساد و داعش" صحبت کردند و این که این حملات هشدار به دولت‌های اسرائیل و آمریکا است. اما برخلاف تصور حکومت همه چیز علیه جمهوری اسلامی شد تا جایی که در برابر حملات موشکی ارتش پاکستان خفه‌خون گرفت. در پی این ابروریزی مفتضحانه، جمهوری اسلامی برای انحراف افکار عمومی از این شکست، این بار از طریق وزارت اطلاعات اطلاعیه‌های متعددی در مورد "دستگیری امرای داعش" و مانند آن منتشر کرد که چیزی جز بیاوه‌سرای نبود.

این حملات برعکس تبلیغات جمهوری اسلامی نشان داد که جمهوری اسلامی از یک جنگ فراگیر به شدت واهمه دارد. این که با وجود در اختیار داشتن موشک حتا یک بار این موشک‌ها به سمت اسرائیل نشانه نرفتند و در عوض کشورهای منطقه و همسایه را بارها نشانه گرفته‌اند، آشکارا ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی را عیان می‌کند. موضوع آن‌قدر روشن است که حتا وزیر خارجه عراق نیز گفت: "ایرانی‌ها یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند به اسرائیل حمله کنند و به همین دلیل در جستجوی قربانی در اطراف خود هستند و به همین دلیل هم به اربیل حمله کردند".

جمهوری اسلامی در یک موقعیت پیچیده قرار گرفته است. از یکسو تحت فشار برای وارد شدن به جنگ با دولت اسرائیل است و از سوی دیگر ناتوان از این کار. در حالی که جمهوری اسلامی چند کودک ۲ ماهه، ۱۱ ماهه، ۲ ساله و ۳ ساله را به عنوان جاسوس موساد، "امرای داعش" و رهبران "جیش‌العدل" به قتل رساند، روز شنبه بار دیگر دولت اسرائیل با حمله موشکی به دمشق پنج تن از اعضای سپاه پاسداران از جمله معاون اطلاعات سپاه قدس صادق امیدزاده و معاون وی علی آقازادمنژاد را به قتل رساند و جمهوری اسلامی مانند تمامی دفعات گذشته وعده داد که "اسرائیل را پشیمان خواهیم کرد".

تمام وقایع و اتفاقات اخیر اما تنها یک چیز را ثابت می‌کند و آن این‌که جمهوری اسلامی یکی از بازندگان جنگ و تشدید تنش در خاورمیانه است. بیپرده نیست که هدف اصلی سیاست‌های جمهوری اسلامی و نیروهای فرمان‌بر آن از حوثی‌ها و حملات‌شان به کشتی‌ها در دریای سرخ گرفته تا شبه‌نظامیان عراقی و حملات آن‌ها به پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و سوریه، بر پایان دادن جنگ قرار گرفته است.

عطر اعتصاب نفت در مشام جامعه

تهیستان جامعه بدل شده اما اعتصابات و تجمع‌های کارگری در مرکز ثقل آن قرار دارد. در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی به‌عنوان مهم‌ترین صنایع کشور، رکوردهای جدیدی از اعتصاب و تجمع پدیدار شده است. در این میان خوزستان و دیگر استان‌های جنوبی کشور، به قلب تپنده‌ی جنبش اعتصابی و اعتراضی طبقه کارگر تبدیل‌شده و کل فضای سیاسی جامعه را تسخیر نموده است.



در صنعت نفت، آرام و قراری دیده نمی‌شود. اوضاع به‌شدت بحرانی و انفجاری است. شرایط غیرقابل‌تحمل و ناراضی‌بسیار شدید است و به تمام بخش‌ها اعم از کارگران و کارکنان رسمی یا غیررسمی به شمول کارگران قرارداد موقت، کارگران ارکان ثالث، کارگران پیمانی و پروژه‌ای و غیره تعمیم‌یافته است. در صنعت نفت غیر از گروه اندکی از مدیران رده‌بالا و وابستگان حکومتی، کسی را پیدا نمی‌کنید که ناراضی و معترض نباشد. کارگران در صف مقدم اعتراض‌کنندگان‌اند. نیمه دوم دی‌ماه مانند نیمه اول آن و مانند ماه قبل و ماه‌های قبل‌تر شاهد اعتراضات کارگری گسترده بود که اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم.

صبح روز شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲ صدها تن از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت به نمایندگی از ده‌ها هزار تن از همکاران خود، مقابل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در شهر اهواز، تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران معترض صنعت نفت با هوشیاری و اتحاد خود، ترفند مزدوران لباس شخصی و حراستی برای جلوگیری از ورود کارگران به داخل شرکت را خنثی نمودند و با حضور در داخل ساختمان شرکت خواستار پاس‌خوایی مدیران مربوطه شدند.

همزمان با این تجمع که فراخوان آن از قبل صادر شده بود، کارگرانی که نتوانسته بودند در تجمع حضور یابند، در محل کار خود، تجمعات اعتراضی برپا کردند. کارگران شرکت "پیرا حفاری" نیز با اعلام همبستگی به این تجمع پیوستند.

کارگران قرارداد موقت مدت‌هاست خواهان اجرای کامل مصوبه دی‌ماه ۱۴۰۰، اصلاح فرمول بهروری بر اساس حقوق پایه هر فرد و اصلاح فرمول اضافه‌کاری مطابق تبصره ماده ۳۶ آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی نفت هستند. این کارگران از اول سال جاری تاکنون در چند نوبت دیگر نیز دست به اعتصاب زده و تجمعات اعتراضی برپا کرده‌اند. در تاریخ ۱۲ مهر ۱۴۰۲ نیز در چند شهر از جمله اهواز، کنگان، گچساران، عسلویه و ایلام دست به

اعتصاب و تجمع زدند. مطابق فراخوان انتشاریافته کارگران قرارداد موقت، تجمع سراسری بزرگ دیگری را ساعت ۱۰ صبح روز ۴ بهمن مقابل وزارت نفت برگزار خواهند نمود.

روز یکشنبه اول بهمن ۱۴۰۲ صدها تن از کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت نفت و گاز گچساران مطابق قرار قبلی دست از کار کشیدند و با تجمع در مقابل دفتر مرکزی این شرکت خواهان رسیدگی به خواست‌های خود شدند. در آخرین روز دی‌ماه نیز کارگران "ارکان ثالث" شاغل در پالایشگاه‌های ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۰ و ۱۲ مجتمع گاز پارس جنوبی دست به اعتصاب و تجمع زدند. این کارگران روز ۲۳ و ۱۶ دی‌ماه نیز مقابل ساختمان اداری شرکت، تجمع اعتراضی برپا کرده بودند.

روز ۲۵ دی‌ماه نیز گروه بزرگی از کارگران "ارکان ثالث" شاغل در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در شهر اهواز، تجمع اعتراضی برپا کرده بودند. این کارگران که هفته قبل از آن (۱۸ دی‌ماه) نیز تجمع اعتراضی مشابهی برپا نموده بودند، ضمن ابراز حمایت و همبستگی با کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی، اعلام کردند تا رسیدن به خواست‌های خود، هر هفته دست به اعتراض و تجمع خواهند زد. بازنگری، اصلاح و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهره‌مندی از بن کارت و نفت کارت و پاداش‌های مصوبه وزارت نفت از جمله خواست‌های این گروه بزرگ کارگران صنعت نفت است.

افزون بر این تجمعات کارگری، روز شنبه ۲۳ دی‌ماه نیز گروهی از پرسنل نفت استخدامی سال ۹۳ به بعد، مقابل ساختمان "ستاد مناطق نفت‌خیز" در اهواز دست به تجمع زدند. این تجمع در اعتراض به تصمیم معاونت منابع انسانی نفت مبنی بر کسر یک گرید معادل ریالی ۵ درصد از حقوق برخی کارکنان استخدامی ۹۳



به بعد بود. ۲۴ دی نیز همزمان با برگزاری نمایشگاه تجهیزات نفتی در اهواز، گروهی از کارگران قرارداد موقت همراه با جمع‌هایی از شهروندان ناراضی و جوانان بی‌کار مناطق نفتی "غیزانیه" و "هویزه" با تجمع در مقابل در ورودی سالن افتتاحیه نمایشگاه، نسبت به عملکرد شرکت‌های نفتی در زمینه استخدام و همچنین آلوده سازی هوا، دست به تجمع اعتراضی زدند. شدت اعتراض مردم خشمگین به حدی زیاد بود که "خجسته مهر" مدیرعامل نفت فوراً محل را ترک نمود و به پایتخت بازگشت.

روز ۱۹ دی نیز گروه بزرگی از کارگران پیمانی شرکت دریا ساحل در پالایشگاه گاز طبیعی ال.ان.جی در پارس جنوبی، مقابل



پالایشگاه تجمع اعتراضی برپا کردند. این کارگران درب ورودی پالایشگاه را بستند و هشدار دادند هرچه زودتر مطالباتشان بایستی برآورده شود. مدیران شرکت، وحشت‌زده، وعده مساعد دادند. کارگران هشدار و اولتیماتوم دادند در صورت خلف وعده، دوباره دست به اعتصاب و تجمع خواهند زد.

پیش از آن کارگران شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به پایین بودن دستمزد و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع زده بودند. ۲۲ دی‌ماه نیز کارگران شرکت "پترو نیرو صبا" واقع در اهواز (از شرکت‌های اقماری هلدینگ خلیج‌فارس) وارد هشتمین روز اعتصاب خود شدند. این کارگران که از ۱۵ دی وارد اعتصاب شده بودند، خواهان پرداخت فوری دستمزدها شدند و علی‌رغم ورود نیروهای انتظامی به شرکت برای سرکوب و درهم شکستن اعتصاب و علی‌رغم پرونده‌سازی برای چند تن از کارگران و حتی اخراج، به اعتصاب خود ادامه دادند.

همزمان با این تجمعات و اعتراضات گسترده کارگران غیررسمی صنعت نفت از نمونه کارگران قرارداد موقت و کارگران ارکان ثالث، تجمعات اعتراضی و روزانه در بخش کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت نیز به‌طور منظم ادامه داشته است. تجمعات منظم و برنامه‌ریزی‌شده‌ی روزانه که از اوایل مهرماه سال جاری آغاز شده بدون وقفه ادامه یافته است. کارکنان رسمی عملیاتی و ستادی شاغل در مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت نفت مناطق مرکزی، شرکت ملی حفاری، شرکت فلات قاره،

عطر اعتصاب نفت در مشام جامعه



کارگران در بخش‌ها و صنایع و مؤسسات گوناگون از جمله کارگران صنعت نفت چه کارگران رسمی چه کارگران غیررسمی اعم از قرارداد موقت، ارکان ثالث، پیمانی و غیره به این موضوع بسیار مهم اشراف دارند که یگانه سلاح برنده و مؤثر آن‌ها اعتصاب است. این کارگران نه فقط در اعتصابات و تجمعات خود در گذشته، بلکه در جریان تجمعات و اعتصابات دو هفته اخیر نیز بارها هشدار داده‌اند اگر به خواست‌هایشان رسیدگی نشود، چرخ تولید را متوقف خواهند کرد.

این، صدای کارگر نفت است، صدای کارگر فولاد و صدای کارگر خوزستان است. این بانگ رسای کارگر پیشرو، یعنی اینکه هیچ راهی جز گسترش اعتصاب‌ها و سازمان‌دهی اعتصاب‌های سراسری وجود ندارد. در درون همین اعتصاب‌های سراسری کارگری است که کارگران متشکل‌تر می‌شوند و آگاهی سیاسی خود را ارتقا می‌دهند و در همان حال مسیر پر سنگلاخ ورود متشکل طبقه کارگر به صحنه مبارزه سیاسی نیز فراهم‌تر می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی ماندنی نیست. نظم حاکم در شکل و شمایل کنونی قابل‌دوام نیست و رفتنی است. این رژیم اما خودبه‌خود برنمی‌افتد و محو و نابود نمی‌شود باید آن را برانداخت، و از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه باید برانداخت. اعتصاب‌های سراسری به‌ویژه اعتصاب‌های سیاسی سراسری در صنعت نفت، طلاهدار اعتصاب عمومی سیاسی‌اند. برای سازمان‌دهی اعتصاب‌های سراسری به‌ویژه در نفت بیش‌ازپیش باید تلاش کرد. عطر اعتصاب و تجمع کارگران صنعت نفت که هم‌اکنون مشام طبقه کارگر و مشام جامعه را پرکرده است، روزهای بهتری را نوید می‌دهد.

شده‌اند. در صنعت نفت نیز صرف‌نظر از اعتصابات بزرگ و سراسری هرساله (از سال ۹۹ تاکنون) اعتصاب و اعتراض همزمان در چند واحد نیز رشد یافته است. حمایت و همبستگی و اتحاد کارگری در صفوف کارگران به‌ویژه در نفت نیز ارتقا یافته است. توسل ارتجاع حاکم به حربه سرکوب و ارباب، راه به‌جایی نبرده و نمی‌تواند کارگران را از اعتصاب و تجمع بازدارد.

نباید از نظر دور داشت که در شرایطی سخن از روند فزاینده اعتصاب‌ها و تجمع‌های کارگری می‌کنیم که اعتصاب و تجمع و اعتراض خیابانی در صفوف سایر زحمتکشان نیز همین روند را طی می‌کند. بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان کشوری، مخابرات، فولاد، صنعت نفت، و گروه‌های دیگری از بازنشستگان تقریباً هرروز دست به تجمع و اعتراض و راهپیمایی می‌زنند. دامنه اعتراضات و تجمعات خیابانی روزبه‌روز گسترده‌تر شده و اقشار گوناگونی از زحمتکشان جامعه مانند معلمان، پرستاران و توده‌های مردم شهر و روستا با خواست‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی وارد خیابان شده‌اند. پوشیده نیست در شرایطی که بحران حاد سیاسی سرتاپای رژیم و شالوده‌های نظم حاکم را فراگرفته است، در دورانی که یک حرکت اعتراضی کوچک هرآینه می‌تواند حریق بزرگی را رقم زند، زمینه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اعتراضات خیابانی گروه‌های اجتماعی مختلف نیز تا حد زیادی فراهم است. صرف‌نظر از اینکه در چنین فضایی زمینه‌های نزدیکی یا پیوند میان مبارزات کارگران و زحمتکشان فراهم‌تر می‌شود، چه‌بسا شعارهای سیاسی یگانه‌ی مبین اهداف سیاسی واحدی نیز از درون این مبارزات سر برآورد و کل جنبش اجتماعی را گام مهمی جلو براند. این اما در حال نباید باعث غفلت از اتخاذ تاکتیک‌های اخص کارگری شود. این موضوع روشن است مادام که کارگران تاکتیک‌های مؤثر مبارزه را اتخاذ نکرده باشند، کارفرمایان و دولت حامی آن‌ها خواست‌های کارگران را بی‌جواب خواهند گذاشت. طبقه کارگر برای عقب راندن طبقه حاکم باید به بهترین سلاحی که در اختیار دارد متوسل شود.

جزیره لاوان، خارک، سکوی نفتی بهرگان، سیری، ابوزر، بهرگان سر، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی و عسلویه هر هفته به‌طور منظم تجمعات اعتراضی روزانه‌ای را سازمان داده و برگزار نموده‌اند.

حذف سقف حقوق، اصلاح و افزایش حداقل حقوق کارکنان جدیدالاستخدام (کف بگیران)، حذف سقف پاداش سنوات بازنشستگی کارکنان مناطق عملیاتی، فراهم کردن زمینه حذف مالیات



کارکنان شاغل در مناطق عملیاتی، پرداخت معوقات اجرای ماده ۱۰ و رعایت دقیق مفاد آن و عدم دست‌اندازی دولت بر صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت از جمله مهم‌ترین خواست‌های کارکنان رسمی صنعت نفت است که البته دولت و وزارت نفت آن تاکنون پاسخ مثبتی به کارکنان رسمی نداده‌اند.

مطالبات کارگران غیررسمی از نمونه کارگران قرارداد موقت، کارگران ارکان ثالث، کارگران پیمانی و پروژه‌ای نیز در اساس بی‌جواب گذاشته شده‌اند.

بی‌جواب گذاشتن خواست‌های کارگران و کارکنان صنعت نفت و مهم‌تر از آن اقدامات پلیسی و سرکوبگرانه نهادهای امنیتی از جمله احضارهای مکرر، بازداشت و تهدید و بازجویی از ده‌ها کارگر پیشرو و فعال اعتصاب و حتی اخراج، نتوانسته است خللی در اراده کارگران برای ادامه مبارزه ایجاد کند. درست برعکس، تمام شواهد نشان‌دهنده این واقعیت است که کارگران به‌طورکلی، به‌ویژه کارگران در صنایعی چون نفت و فولاد و ذوب‌آهن، پیگیرتر و گسترده‌تر از قبل وارد یک کارزار جدی مبارزاتی با کارفرمایان چه در بخش خصوصی چه دولتی شده‌اند. طرف حساب کارگران در اغلب موارد به یک معنا با از همان اول و گام نخست دولت است یا در گام بعدی که دولت در حمایت از کارفرمای بخش خصوصی مزدوران مسلح و غیرمسلح خود را برای سرکوب کارگران و قلع‌وقمع اعتصاب و تجمع به کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی اعزام می‌کند. باین‌همه، تعدد و تزیاید اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی کارگری در دو هفته اخیر بار دیگر این واقعیت را اثبات می‌کند که نه کارفرمای بخش خصوصی، نه دولت و نه هیچ نیرویی جلودار رشد فزاینده اعتصاب‌ها و تجمع‌های کارگری و گسترش جنبش طبقه کارگر نیست.

در همان حال این واقعیت را کسی نمی‌تواند انکار کند که اجتماعات و اعتصابات کارگری از استمرار و نظم و سازمان‌دهی بهتری برخوردار

کار - نان - آزادی

حکومت شورائی

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

ترک اعتیاد،

صنعتی در دست نیروهای امنیتی و انتظامی!

داروهای ترک اعتیاد از جمله متادون را به داروخانه‌ها محول کند. درمانگران به این امر معترضند چرا که معتقدند محول کردن فروش داروهای ضد اعتیاد به داروخانه‌ها در غیاب یک سیستم تخصصی و چند جانبه ترک اعتیاد، جایگزین کردن یک اعتیاد با اعتیاد دیگر است.

علاوه بر نقش مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی در اشاعه مواد مخدر، گسترش آن در جامعه و بازگذاشتن دست باند‌های مافیائی قاچاق مواد مخدر، آمار و عملکرد جمهوری اسلامی نیز در زمینه برخورد با اعتیاد بخوبی نشانگر مصیبتی است که زندگی میلیون‌ها تن از جمله کودکان خردسال را به تباهی کشانده است. اعتیاد نه علت، که خود معلول است. اعتیاد معلول وضعیتی است که در یک سوی آن بیکاری، فقر و تباهی، ظلم و ستم، نامیدی و یاس و فقدان چشم انداز است و در سوی دیگر آن حاکمیتی که نه می‌خواهد و نه می‌تواند بر این معضل فائق آید.

طبقات حاکم همواره و همه جا به درجات مختلف از تخریب جامعه برای حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود بهره می‌برند، حال چه این تخریب از طریق اشاعه خرافات و افیون دین باشد چه از طریق اشاعه مواد افیونی. پایان دادن به این مصیبت اجتماعی، راه‌حلی ریشه‌ای می‌طلبد. راه‌حلی که بنای آن بر رفاه و آزادی و علم، نشاط و شوق و امید به زندگی و پیشرفت و تعالی قرار دارد.

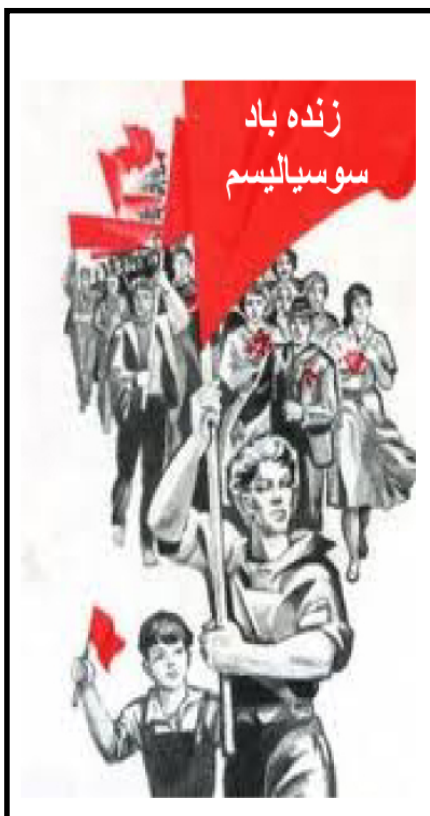
به گفته کارشناسان، جامعه‌شناسان و معتادانی که در این مراکز به سر برده‌اند، بیشتر به زندان شبیه‌اند تا مراکز درمانی. پیداست، زمانی که امر ترک اعتیاد به نیروهای امنیتی و انتظامی سپرده می‌شود، چه وضعیت اسفباری در انتظار معتادان خواهد بود. معتادان به حکم قضائی و یا بعد از دستگیری در خیابان، به این مراکز فرستاده می‌شوند. ضمناً به ماموران پاسگاه به ازای دستگیری و تحویل هر معتاد مبلغ ۵۰ هزار تومان پرداخت می‌شود. معتادان پس از اعزام به این مراکز معمولاً با قفل و زنجیر نگاهداری می‌شوند، مراکز فاقد کادر و پرسنل علمی و تخصصی که در آنها انواع خشونت‌های فیزیکی اعمال می‌شود: آویزان کردن معتادان، استفاده از شوکر، کتک زدن و خوراندن مدفوع به آنها از جمله شیوه‌های رایج در این مراکزند. نبود سرویس بهداشتی، کمبود مواد غذایی و کیفیت پائین غذا، عدم رسیدگی به بیماری‌های جانبی معتادان و شرایط غیرانسانی و روش‌های غیرعلمی و سوداگرانه، نه تنها کمکی به ترک اعتیاد معتادان نکرده بلکه هر روز مصائب و فلاکت‌های بیشتری به بار آورده است.

آذر ماه سال جاری بیش از ۱۰۰ تن از ساکنین کمپ ترک اعتیاد «ایسین» در بندرعباس در اعتراض به شرایط غیر انسانی این کمپ، ضرب و شتم توسط مامورین کمپ، از آن جا گریختند. ۵۰۰ معتادی که به اجبار و با حکم قضائی به این کمپ فرستاده شده بودند، در معرض وحشیانه‌ترین برخوردها قرار گرفتند و برای نجات جان خود از این کمپ فرار کردند. آتش سوزی در کمپی در لنگرود که به کشته شدن ۳۶ تن و مجروح شدن دهها تن گردید یکی دیگر از فجایعی است که در این مراکز رخداد. معتادان زنده زنده در آتش سوختند زیرا ماشین آتش نشانی اول آب نداشت. ماشین دوم شلنگ بلند برای رساندن آب به شعله‌های آتش نداشت و ماشین سوم هم زمانی رسیده بود که دیگر دیر شده بود. بیش از هزار درمانگر اعتیاد نیز در اوایل آبان سال جاری در اعتراض به عملکرد و «وعده شکنی» وزارت بهداشت در مقابل این وزارتخانه تجمع کردند. آنها به بی‌اعتنائی وزارت بهداشت به توافق‌های ایجاد شده با ستاد مبارزه با مواد مخدر، کمسیون بهداشت مجلس و سازمان نظام پزشکی اعتراض داشتند. وزارت بهداشت بر خلاف وعده‌ها و توافقات پیشین خود، تصمیم گرفته مراکز درمان و اعتیاد را منحل و توزیع

مهتری موسوی معاون اجتماعی سازمان بهزیستی به رواج اعتیاد در بین زنان و کودکان در یک دهه اخیر اشاره می‌کند: زنان ۱۰ درصد معتادین را تشکیل می‌دهند و سن اعتیاد کاهش یافته و به ۱۰ ساله‌ها رسیده و در حال حاضر ۲ درصد دانش آموزان معتادند. طی سال‌های ۱۳۸۰ تا کنون شیوع مصرف موادمخدر بین جوانان از ۱ درصد به ۷/۳ درصد افزایش یافته است. نرخ اعتیاد در بین جمعیت فعال کشور ۵ درصد است و اعتیاد در میان جمعیت کارگری ۲۲ درصد اعلام شده است. به گفته سیدجواد میری، جامعه‌شناس بین ۱۱ تا ۱۵ درصد دانشجویان به صورت «حرفه‌ای» از مواد مخدر استفاده می‌کنند. تعداد معتادان متجاهر- آن دسته از معتادانی که ترک اعتیاد ناموفق داشته و در ملاءعام مواد مخدر استفاده می‌کنند- بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر اعلام شده است. تعداد دقیق این دسته از معتادان ناروشن است.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها اعتیاد کاهش نیافته بلکه در رده‌های سنی پائین تری نیز شیوع یافته است. طبیعی است حاکمیتی که خود عامل اصلی معضلات عدیده از جمله اعتیاد است نمی‌تواند بخشی از راه حل باشد. از همین روست که راه حل‌های ادعایی جمهوری اسلامی جز شکست و جز افشای هر چه بیشتر چهره کریه مافیای حکومتی و نقش آن در به قهقرا کشاندن جامعه چیز دیگری در بر ندارد.

رامحل جمهوری اسلامی در برخورد با اعتیاد چیست؟ طی ۲۰ سال گذشته راه‌اندازی کمپ‌های اجباری ترک اعتیاد عمدتاً توسط اعوان انصار نظامی و امنیتی، راه حل جمهوری اسلامی بوده است. مجید رضا زاده رئیس پیشین مرکز توسعه و پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی در آبان سال جاری چنین می‌گوید: «یک دوره ای مراکز اجباری ترک اعتیاد تحویل بهزیستی داده شد اما بهزیستی آن را نپذیرفت. سیستمی بعداً پایه‌گذاری شد که نادرست بود. اساس آن درمان و ترک اجباری بود. ابتدا ترک اجباری زیر نظر ستاد مبارزه با مواد مخدر و ترک داوطلبانه به بهزیستی محول شد. اما بعداً و نهایتاً صدور مجوز در اختیار بخش‌های امنیتی و انتظامی قرار گرفت». بدین ترتیب جمهوری اسلامی رشد قارچ گونه این مراکز توسط اعوان و انصار خود را پایه‌گذاری کرد. هم اکنون تعداد این مراکز ترک اعتیاد به ۸ هزار رسیده که ۹۰ درصد آنها در دست بخش خصوصی است. کمپ‌هایی که





زنده باد اتحاد مبارزاتی کارگران صنعت نفت

پیرو فراخوان قبلی کارگران قرارداد موقت صنعت نفت، مبنی بر برگزاری دو تجمع اعتراضی و سراسری در روزهای شنبه ۳۰ دیماه و چهارشنبه ۲ بهمن، نخستین تجمع اعتراضی آنان امروز شنبه ۳۰ دی برگزار شد.

صبح روز شنبه ۳۰ دیماه ۱۴۰۲، صدها تن از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت شاغل در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و شرکت ملی حفاری طبق فراخوان اعلام شده در مقابل درب ورودی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در شهر اهواز تجمع اعتراضی بزرگی برپا کردند.

از آنجا که طبقه سرمایه دار و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران همواره از تجمع اعتراضی و اعتصاب کارگران وحشت دارند، پیشاپیش انبوهی از مزدوران امنیتی رژیم و نیروهای حراست به محل اعزام شده بودند تا از ورود کارگران به محوطه داخل شرکت ممانعت به عمل آورند. اما کارگران با تقسیم شدن به سه گروه جداگانه از درهای فرعی خود را به داخل شرکت رسانده و با گشودن درب اصلی وارد محوطه و ساختمان شرکت شدند.

در این تجمع اعتراضی، کارگران متحد و یکپارچه هشدار دادند اگر به خواست هایشان رسیدگی نشود، تولید را متوقف خواهند کرد.

گزارش ها حاکی از آن است که تلاش مدیران داخلی و نیروهای سرکوبگر حراست برای متفرق کردن کارگران معترض با شکست مواجه شده و تجمع کارگران در داخل شرکت برای جوابگویی مدیران به مطالبات شان تا ساعاتی ادامه داشت.

شایان ذکر است که کارگران شرکت "پیرا حفاری" نیز با اعلام همبستگی به این تجمع پیوستند. افزون بر این، بسیاری از نیروهای قرارداد موقت نیز که نتوانسته بودند در تجمع حضور یابند، در حمایت از رفقای خود در محل کار دست از کار کشیده و تجمعات اعتراضی برپا کردند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت کامل از اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران قرارداد موقت نفت، عموم کارگران خصوصاً کارگران رسمی صنعت نفت را به حمایت و پشتیبانی از رفقای کارگر خود فرا می خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از خواست های کارگران صنعت نفت قویاً حمایت می کند ، اعتصاب و متوقف کردن چرخ تولید را یگانه راه موثر برای تحقق مطالبات بر حق کارگران می داند و عموم کارگران را به همبستگی و اتحاد و سازماندهی اعتصابات سراسری فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۳۰ دی ماه ۱۴۰۲

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی

تأثیر متقابل جامعه و شعر - ترانه بر یکدیگر - از جنبش مشروطه تا کنون بخش چهارم - از ۱۳۳۲ (کودتای ۲۸ مرداد محمد رضا خانی) تا بهمن ۱۳۴۹ (حماسه سیاهکل)

کودتای ۲۸ مرداد به مثابه یکی از نقاط عطف در تاریخ معاصر ایران است که نقش بازدارندگی محسوسی در روند رشد و تکامل اجتماعی دارد. فضای سیاسی کشور به شدت بسته است و بسیاری از آزادی‌هایی که تا پیش از این، در دوره ی کوتاه صدارت مصدق، بطور نسبی بدست آمده بود به ناگاه از میان می‌رود. آنچه جایگزین آن می‌شود یک حکومت. بدست استبدادی است که تلاش دارد تمام بخش‌های جامعه، تمام احزاب و تشکل‌های سیاسی را از طریق سازوکارهای امنیتی از بین برده و احزاب دولتی نظیر حزب مردم (اسدالله علم - ۱۳۳۶)، حزب ملیون (منوچهر اقبال - ۱۳۳۷)، حزب ایران نوین (حسنعلی منصور - ۱۳۴۲) و سرانجام حزب رستاخیز (۱۳۵۳) را جایگزین آنها نماید. بعبارت دیگر بعد از کودتای ۲۸ مرداد، فضای نسبتاً آرام ایران تبدیل به فضای تاریک اختناق و سرکوب می‌شود. این فضا در شکل حکومت نظامی. ناشی از کودتا تا سال ۱۳۳۵ ادامه می‌یابد. نتیجه ی چنین امری فشار هرچه بیشتر به نیروهای سیاسی و اجتماعی از یکسو، و مقاومت این نیروها از سوی دیگر در مقابل اوضاع جدید است بطوری که این تقابل، واکنش‌های مختلف بسیاری را درون جامعه ایران پدید می‌آورد که تأثیرات خود را بر اشعار ترانه ها برجای می‌گذارد. در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود:

از طرفی رژیم کودتا تلاش دارد که هرگونه مجال سخن را از شاعران معترض که در نظر دارند واقعیات جامعه را در اشعار خود بیان کنند بگیرد و بجای آن فضای وسیعی برای شاعران بی آزار و غیر معترض، شاعرانی که اصولاً شرائط را مطلوب خود می‌دانند، باز نماید تا با فراغ خاطر هرآنچه را که میخواهند، بسرایند و به ترانه تبدیل کنند، و از رادیو پخش نمایند و مآلاً ذهن جامعه را به مجاری مطلوب کودتاگران سوق دهند. در همین رابطه شاعری با توسل به عباراتی در وصف "پیاله و شراب" یا "می و مستی" به سرایش شعر می‌پردازد و می‌گوید:

**ساقی به خدا خون شد دل ما کو جام شرابم /
زین چشم ترم سوزد جگرم سرمست و خرابم /
بت عشوه گرم بنشین به برم بنشین ای جانم /
شده ام نگران توچنان دگران از خود مرا نم /
ساقی دلم شکستی آه بر تو هم که مستی... /** به این ترتیب شعر پرویز وکیلی با موسیقی عطاالله خرم و صدای ویگن تحت عنوان ترانه بی به نام «ساقی» سال‌های میدی از رادیو و تلویزیون پخش می‌گردد.

و نیز در همین دوره شاعرانی وجود دارند که اگرچه در گذشته اشعاری اجتماعی در اعتراض به وضعیت جامعه می‌سروده اند ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد به دلیل اختناق بیش از حد به سمتی گرایش می‌یابند که درونمایه ی اشعارشان مملو از یأس و حرمان اجتماعی است. مهدی اخوان ثالث نمونه بارز چنین شاعرانی ست. شعر زمستان او حکایت روشنی دارد از نوعی نگرش مایوسانه‌ی وی به زندگی سیاسی و روزمره. او

از اعدام رفقاییش در سال ۱۳۳۳ آنقدر دچار ناامیدی می‌شود که شعر خود را در سال ۱۳۳۴ در قالب فصل سرد چنین می‌سراید: سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / سرها در گریبان است / کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را / ننگه جز پیش پا را دید، نتواند / که ره تاریک و لغزان است / وگر دست محبت سوی کس یازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون / که سرما سخت سوزان است / ... این شعر بعدها توسط آهنگسازی به نام امین الله رشیدی و با صدای پروین به شکل ترانه بی به همین نام ارائه می‌شود.

اما از طرف دیگر در سال‌های پس از کودتا شاعرانی وجود دارند که مضامین اعتراضی خود را به انحاء مختلف و در آرایه‌های متنوع شعری به منصفه ی ظهور می‌رسانند. شاعری به نام سیروس آریان پور به کمک منوچهر سخایی، خواننده بی که در این زمان ناشناس است، شعر «پرستو» را در وصف سرگرد محمود سخایی می‌نویسد. محمود که برادر بزرگتر منوچهر است و از افسران مورد اعتماد مصدق به شمار می‌رود در زمان وی به ریاست شهرداری کرمان گمارده می‌شود. محمود در روز ۲۸ مرداد بدست اوباشان رژیم شاه به فجیع‌ترین شکلی کشته می‌شود. این شعر بعدها برای ترانه شدن به عطاالله خرم داده می‌شود. او که از مضمون اصلی شعر بی خبر بود آهنگ آنرا ساخته و برای پخش به رادیو میدهد و سال‌ها بدون آنکه مضمون سیاسی شعر برای عناصر اطلاعاتی و مقامات رادیو مشخص باشد از رادیو پخش می‌گردد. متن شعر: **پرستویی شدی پرپر / زمان رفتی / به صحرا های بی نام و نشون / رفتی / به من میگن به من میگن حرف نم / ستاره گشتی و تو آسمون رفتی / گلم بودی گلم بودی کجا رفتی / تو که جون و دلم بودی چرا رفتی؟**

و نیز در همین دوره ی پس از ۲۸ مرداد و سرکوب ها و اعدام های دستجمعی، شاعرانی نیز هستند که وضعیت جاری را برنمی‌تابند و با شعر خود علیه فضای موجود طغیان می‌کنند. شاملو یکی از آنان است. شعر «مرگ و ارطان» یا «مرگ نازلی» حکایت جانفشاندن و ارطان سالخانیان در زیر شکنجه های طاقت فرسای رژیم محمد رضاخانی در سال ۱۳۳۳ است که بعدها با صدای امیر بقراطی روی آهنگی از اسفندیار منفرد زاده به ترانه بی زیبا تبدیل می‌شود: **«نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت / در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیر / دست از گمان بردار! / بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار... / نازلی سخن نگفت / سرافراز / ندان / خشم بر جگر خسته بست و رفت / نازلی سخن نگفت / نازلی بنفشه بود / گل داد و مژده داد: / «زمستان شکست» و / رفت...**

در ادامه ی ناآرامی‌های پس از کودتا واقعه ی ۱۶ آذر ۱۳۳۲ (روز دانشجو) رخ می‌دهد که در آن ۳ دانشجو به نام «مصطفی بزرگنیا»، «احمد قندچی» و «مهدی شریعت‌رضوی» به

دلیل شرکت در اعتراضات خیابانی و وسیع هزاران دانشجو به ورود ریحارد نیکسون معاون رییس جمهور وقت آمریکا به ایران، توسط تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی کشته می‌شوند. شعر ترانه - سرود ۱۶ آذر در پایانه ی دهه ی ۱۳۳۰ توسط حمید مصدق نوشته میشود و سپس از روی یک آهنگ ارمنی بنام "ساری گلین" بوسیله ی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به شکل ترانه - سرودی زیبا و ماندگار خوانده می‌شود: **بار دگر شانزدهم آذر، آمد و سر به سر / در قلوب مردم شعله افکند / جنبش دانشجویی ایران، به خون شهیدان / در ره خلقمان، خورده سوگند / که تا آخرین نفر، آخرین نفس، کوشیم و بشکنیم، دیوار این قفس در ره آزادی ایران...**

سال ۱۳۳۳ سال دستگیری و اعدام بسیاری از افسران و اعضای حزب توده است. از این سال تا سال ۱۳۳۹ به دلایل مختلف از جمله به دلیل اینکه دو نهاد مهم سرکوب و فریب دولتی بوجود می‌آید، جنبش‌های عمومی نیز با اقتی موقت مواجه می‌شود و این به نوبه ی خود از روند رو به رشد اشعار ترانه های اعتراضی می‌کاهد. این دو نهاد یکی سازمان مخوف ساواک است که توسط آمریکا در سال ۱۳۳۵ و پس از لغو مقررات حکومت نظامی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد تأسیس می‌شود، که وظیفه ی اصلی آن اساساً مبارزه با کمونیسم و نابودی فیزیکی مخالفین رژیم است، و دومی پی ریزی اولین ایستگاه تلویزیونی در ایران است که در سال ۱۳۳۷ توسط حبیب الله ثابت پاسال، صاحب کارخانه ی پیسی کولا و یکی از سرمایه داران بزرگ آن زمان در ایران راه‌اندازی می‌گردد. این نهاد. رسانه بی. مدرن و در عین حال سرگرم کننده، که توانایی آن را دارد که خود را ظاهراً حلال مشکلات عدیده ی فرهنگی آحاد جامعه نشان دهد، پتانسیل بسیاری دارد که عمدتاً در جهت تحمیق توده ها و به انحراف کشاندن ذهن جامعه فعالیت نماید. بهمین جهت برنامه‌های اولیه ی آن، پخش فیلم های آمریکایی دوبله شده است. البته در کنار آن، برنامه های متعدد فرهنگی و هنری از جمله موسیقی قرار دارد. مدیریت این ایستگاه بر عهده ی فردی آمریکایی بنام وانس هالاک (Vance Hallock) است که قبلاً مدیر یک ایستگاه تلویزیونی در بغداد بود. در زمان راه اندازی تلویزیون ایران اسپانسرهای مالی آن، کمپانی هایی مانند: RCA (Root) **cause analysis تحلیل علل ریشه ای)**، جنرال تاپر، اتولایت، پیسی کولا، اسکوتیب و فولکس واگن هستند که طبیعتاً در پی اعمال سیاست های اقتصادی و فرهنگی خویشند. این نهاد در تحمیق توده ها و به محاق بردن مبارزات آنها علیه وضعیت موجود، نقش بلاانکاری ایفا می‌کند. تلویزیون می‌تواند همکاری بسیاری از شاعران، خوانندگان و آهنگسازان را به خود جلب نموده و محصول کار آنان را که ترانه هایی در صفحه ۸

تأثیر متقابل جامعه و شعر ترانه بر یکدیگر - از جنبش مشروطه تا کنون بخش چهارم - از ۱۳۳۲ (کودتای ۲۸ مرداد محمد رضا خانی) تا بهمن ۱۳۴۹ (حماسه سیاهکل)

عامه پسند است به وسیع ترین شکلی به جامعه ارائه نماید. سیاست تلویزیون در این ابطه این است که ذهن توده ها را از مسائل و مشکلات جامعه دور کرده و به این وسیله نوعی رضایت خاطر ایجاد نماید. در ادامه به ترانه ی چند تن از معروف ترین آنان پرداخته خواهد شد:

پرویز وکیلی از آن دسته شاعرانی ست که اشعار ترانه های بی آزار خود را سال ها برای خوانندگان رادیو و تلویزیون می سراید. اشعار او اگرچه در فرم ادبی و حتی در حوزه های فردی دارای مضامین زیبایی ست ولی هرگز رنگ و بویی از مشکلات اجتماعی توده های زحمتکش ندارد و گویی با چنین مسائلی کاملاً بیگانه است. اشعار «لیلی منال»، «زن زیبا»، «ختر دریا»، «چه کنم» و غیره هیچکدام بیان هیچ چیز نیست جز تخیلات فردی که در پیله ی خود می لولد و هرگز سر از پنجره ی ذهن بیرون نمی کند. شعر «خواب ناز» او که در سال ۱۳۳۶ سروده می شود در همان سال توسط عطاءالله خرم و ویکن در قامت یک ترانه جهت تولید یک سرگرمی سطحی برای مردم، سالها از رادیو پخش می گردد: نیمه شب آبی به خوابم، پرسی از حال خرابم / نرم و شیرین می نهی پا، روی چشمم پر آبم / می فشانی گیسوانم بر چهره ی من / می گذاری خود سر من را به دامن / می ربایی بوسه ی شیرینم ز رویم / خود پر آری در دل خوابم آرزویم / ... امروز که به آنروز می نگریم سیاست گردانندگان رادیو جهت به انحراف کشاندن ذهن جامعه و کانالیزه کردن آن به سمت مسائل سطحی فردی و غیر سیاسی کاملاً آشکار می گردد.

در سال ۱۳۳۶ ترانه ی «غروب پاییز» با صدای عباس مهرپویا روی یک آهنگ فرانسوی از ساخته های اروین موره (rvin Muret) ارائه می شود. توج نگیهان با سرودن شعر آن، چه چیز جز روحیه ی یأس و حرمان در جامعه می پراکند؟ شاعر در آن، بسیار یأس آلود خیر از مرگ گل یا غروب عشق می دهد که تمثیلی از یک زندگی اندوهبار اجتماعی در جامعه است: نسیم سردمهرگان / ز مرگ گل خبر دهد / غروب عشق و زندگی / به قلب غنچه پا نهد / از این غم سراپا / گشته این گلزار زیبا / چون مزار آرزوها.

یا در شعر ترانه ی زیر بنام «آتش نشانی»، کریم فکور به اتفاق پوران چه می کند جز القاء ابتذال به جامعه که اتفاقاً مطلوب حاکمیت وقت است و مخاطب چه نصیب می برد جز سطحی نگری؟! - / آتش نشانی - / بله بله، بله / - آتش گرفتم، افتادم از پا، با ناتوانی، آتش گرفتم / برقی زد و من، زین برق آبی آتش گرفتم - / عجب! / خونسردی خود را گر میتوانی / از کف مده فوراً بگو نشانی / نشانی خود را بگو که آید / ماشین و مأمور آتش نشانی...

و بدتر از آن، ترانه ی «شهنشاه» که در سال ۱۳۴۶ توسط رهی معیری (شاعر)، علی تجویدی (آهنگساز) و حمیرا (خواننده) ترانه

سازی شده، تملق و چاپلوسی از یک شاه دیکتاتور و مستبد، نشانگر نقطه ی حسیض یک سقوط است:

شهنشاه جان و دلت از فیض حق بهره ور بادا / گل روی شهبانویت از روی گل تازه تر بادا / روشن دل از نور خدایی / در علم و دین رهبر مایی / باشد زنان را آزادی از تو!...

اما مشکلات اقتصادی و سیاسی جامعه چیزی نیست که به وسیله ی چنین هنرهای مجیزگویانه و سرگرم کننده یی از بین برده شده و محو گردد، بهمین دلیل بسیار واضح است که در دوره هایی از فاصله ی زمانی مورد بحث با اعتراضات کارگران و زحمتکشان و تأثیر آن بر شعر ترانه های این دوره مواجه شویم. (که به برخی از آنان نیز پرداخته خواهد شد).

اعتراضات صنفی کارگری در سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ در صنایع کاشی و سرامیک، چوب و کاغذ، نساجی، سیمان، فراورده های غذایی، صنایع فولاد، ماشین آلات صنعتی و غیره در شهرهای مختلف از جمله تهران و برخی از شهرها رخ میدهد. سال ۱۳۴۵ تجمعات دانشجویی و کارگران شرکت واحد بوقوع می پیوندد. در همین سال ها اشعاری سروده و تبدیل به ترانه می گردد که مورد اقبال شدید توده های مردم قرار می گیرد از جمله می توان از ترانه ی «بیک بهاری» با صدای ایرج خواجه امیری نام برد که در آن «فرهنگ قاسمی» شاعر آن ترانه در دهه ی ۴۰ از استعارات و تمثیل زیبا جهت انتقال مضمون آزادی استفاده می کند: چشم به رعنائی تو کسی ندیده / دست به زیبایی تو گلی نچیده / نقش به سرمستی تو قلم شکسته / عشق به شیدایی تو به خون نشسته / ...

در سال ۱۳۴۵ محمد زهری شعر اعتراضی فوق العاده زیبایی در قالب ترجیع بند به نام «به گلگشت جوانان» می سراید که بعدها ترانه سرود. آن توسط گروه کر انجمن دانشجویان ایرانی در مونیخ اجرا شده و سپس در مجموعه سرودهای ماندگار کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی منتشر می شود: به گلگشت جوانان / یاد ما را زنده دارید ای رفیقان / که ما در ظلمت شب / زیر بال وحشی خفاش خون آشام / نشاندیم این نگین صبح روشن را / به روی پایه ی انگشتر فردا / و خون ما / به سرخی گل لاله / به گرمی لب تب دار عاشق / به پاکی تن بی رنگ زاله / ریخت بر دیوار هر کوچه / و رنگی زد به به خاک تشنه ی هر کوه / و نقشی شد به فرش سنگی میدان هر شهری / و این است آن پرند نرم شگرفی / که می بافید / ...

اما باید توجه نمود که هرگز نباید انتظار داشت که در تمام لحظاتی که جامعه سیاسی ست، هر شعری که سروده می شود سیاسی باشد.

سال ۱۳۴۶ قتل تختی رخ میدهد. در این سال، خیر مرگ جهان پهلوان تختی از رسانه ها پخش می شود و مردم، خیر را به هم می رسانند.

تجمعات بسیاری توسط مردم صورت می گیرد. دانشجویان در خیابانها شعار میدهند و حتی خواستار مجازات مسببین یا قاتلین احتمالی تختی می شوند. هفتهنامه طنز و کاریکاتور «توفیق» در آن زمان با اشاره به مرگ تختی می نویسد: تختی خودکشی شد! شعر فاتح خون (یا جهان پهلوان) سروده ی «شهرام دانش» توسط آهنگی از بابک بیات با صدای عارف، تبدیل به ترانه می شود: ببین ای خاک گورستان عزیزی پیش تو خفته / که قلب سرخ ایمان بود / تهمت پهلوانی که نیفتاده به خاک هرگز / کسی که مرد میدان بود / ببار ای ابر خون باران به سوگ پهلوان ما / برای فاتح خفته یل بی مرگ میدان ها / کسی که با قیام خویش میان دشمنه و دشمن / سکوت شهرو و بیرون کرد / کسی که در شب وحشت تن یخ بسته ی ما را / به رنگ آتش و خون کرد...

سال ۱۳۴۸ تظاهرات خیابانی دانشجویی علیه سیاست کمربندی کردن خطوط اتوبوسرانی و افزایش قیمت بلیط اتوبوس ها شکل می گیرد که در آن دانشجویان دست به اعتراضات وسیعی می زنند. درگیری با پلیس در مقابل دانشگاه آغاز می شود. دانشجویان چندین اتوبوس را به آتش می کشند. در این درگیری پلیس عده یی را مجروح می کند. پیرو این اعتراضات مردم نیز در مراکز شهر به اتوبوسها حمله می کنند و خواهان لغو افزایش قیمت می شوند. رژیم نهایتاً مجبور می شود قیمتها را به حالت قبل بازگرداند. این اعتراضات دانشجویان بیش از پیش شکل سیاسی بخود می گیرد و رژیم را مجبور به آزادی بازداشت شدگان می نماید. در اسفند همین سال نیز تعداد ۴۰۰۰ کارگر پالایشگاه آبادان علیه طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب می زند که ۲۰ روز به درازا می کشد. سرانجام این اعتصاب با موفقیت پایان می پذیرد و حتی دولت مجبور می شود حقوق دوران اعتصاب را به آنان پرداخت نماید. این فضای ملتهب جامعه تأثیر خود را بر سرودن اشعار بسیاری از ترانه های اعتراضی بر جای می گذارد که از آن جمله می توان به شعر «شیداد» از فرهنگ قاسمی اشاره کرد که بر اساس آن ترانه یی زیبا توسط فریدون فروغی، بعنوان آهنگساز و خواننده پدید می آید: رنج و عذاب از من / شنگی و شاب از تو / خون چگر از من / موی خضاب از تو / آی شیداد میخوای بمونی تو / اما صبر که بره می دهم جزای تو / کار و تلاش از من / راحت و خواب از تو / کاسه خون از من / تنگ گلاب از تو / آی شیداد میخوای بمونی تو / اما صبر که بره می دهم جزای تو / سوز و گداز از من / عمر دراز از تو / لطف و صفا از من / رنگ و ریا از تو / آی شیداد میخوای بمونی تو / اما صبر که بره می دهم جزای تو

(مقاله ادامه دارد)

"اینجا برای آه کشیدن هوا سم است"

ایران گاز مورد نیاز سوخت نیروگاه ها را به کشورهای همسایه صادر می کند؛ و آنوقت با ادعای اینکه "سوخت نداریم، ناچاریم از مازوت استفاده کنیم"، مردم را از حق استفاده از هوای پاک محروم و با دامن زدن به آلودگی هوا سالیانه ده ها هزار نفر را به کام مرگ می فرستد.

اینکه مردم اراک در تظاهرات اعتراضی ۲۶ دی، فریاد برکشیدند "توقف صادرات گاز را متوقف کنید"، دقیقاً به این معنی است که آنها به درستی دریافته اند که بخش بزرگی از معضل آلودگی هوا - خاصه در فصل سرما - ناشی از صادرات گاز به عراق و دیگر کشورهای همسایه است.

نکته دیگر، استفاده از کلید واژه "مردم باید تحمل کنند" است که مسئولان حکومتی به جای پاسخگویی به انبوه معضلات و مشکلات مردم همواره برای عقب راندن و به سکوت کشاندن مردم از آن بهره برداری می کنند. به کارگیری کلیدواژه "مردم باید تحمل کنند" به این معناست که جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای پاسخگویی به معضلات مردم ندارد. از اینرو، آنچه مردم اراک و اردکان در مواجهه با آلودگی هوا بر گزیدند، عدم تمکین به کلیدواژه "مردم باید تحمل کنند"، بود. روشی اعتراضی که می بایست الگویی برای سایر شهرهای کشور باشد. اینکه مردم اراک با اعتراضات خیابانی خود بانگ بر کشیدند "اینجا برای آه کشیدن، هوا سم است"، یقیناً این آلودگی و مسمومیت هوا فقط برای مردم اراک نیست. به هر کجای این سرزمین پهناور که بنگریم "برای آه کشیدن هوا سم است".

بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی فقط آلودگی هوا و مرگ و میر ناشی از آن را به مردم ایران تحمیل نکرده است. این رژیم ارتجاعی و فاسد و تبهکار سر منشاء تمام رنج ها، دردها و آلام ۴۵ ساله مردم ایران است. با ماندگاری جمهوری اسلامی هرگز پایانی بر انبوه رنج های توده های مردم ایران متصور نیست. در مقابل کلیدواژه "مردم باید تحمل کنند"، توده های مردم ایران نیز باید کلیدواژه "سرنگونی جمهوری اسلامی" را در تمامی گام های مبارزاتی خود به کار گیرند. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان، همان راه حل مشترک کارگران و زنان و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و نویسندگان و عموم توده های مردم ایران در پاسخگویی به این درد مشترک است که راه نفس کشیدن در هوای آزاد را برای جامعه میسر می سازد. درد مشترک، فریاد مشترک را می طلبد. راهی از رنج مشترک، نیازمند راه حل مشترک است. اگر در سراسر کشور "برای آه کشیدن هوا سم است"، پس اعتراض به این وضعیت هم باید سراسری و همگانی باشد.

جمهوری اسلامی آمارهای دولتی فقط گوشه ای از حقیقت را بیان می کنند و طبیعتاً میزان آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا به مراتب بالاتر از ارقام دولتی است.

معضل آلودگی هوا و مرگ و میر ناشی از آن، مختص به امروز و دیروز نیست؛ سالهاست آلودگی هوا به یکی از معضلات بزرگ زیست محیطی برای مردم ایران تبدیل شده است. اگر مردم خوزستان از دو دهه گذشته با انبوهی از بیماری های مهلک ناشی از استنشاق ریزگرد ها مواجه اند، اگر مردم سیستان و بلوچستان مدت هاست در پی جاری شدن هر ساله ی توفان های سهمگین شن از زندگی ساقط می شوند، اگر کودکان و افراد مسن در تهران به دلیل آلودگی بیش از حد هوا، چندین سال است که مجبورند روزهایی از سال را در خانه بمانند و مدارس و دانشگاه ها نیز به همین دلیل تعطیل می شوند و در مشهد نیز هر از چند گاهی به دلیل تشدید آلودگی هوا اوضاع برای همه گروه های سنی با "وضعیت خطرناک" اعلام می شود، اکنون آلودگی هوا و مرگ و میر ناشی از آن به صورت فزاینده ای به اغلب شهرهای ایران سرایت کرده است.

استفاده از مازوت بجای گاز در تأمین سوخت نیروگاه های کشور و تأثیر آن در تشدید آلودگی هوا آنچنان بالاست که بسیاری از کارشناسان و حتی برخی از مسئولان دولتی نیز "مازوت سوزی" در نیروگاه های کشور را از جمله مهمترین دلایل آلودگی هوا در شهرهای مختلف عنوان کرده اند.

از نگاه کارشناسان، مازوت، آلاینده ترین سوخت فسیلی است که باعث آلودگی شدید هوا می شود؛ اما جمهوری اسلامی هر سال در فصل سرما برای جبران کسری گاز اقدام به مازوت سوزی در صنایع و نیروگاه های برقی می کند.

به رغم اینکه مازوت سوزی در نیروگاه ها به شدت آلودگی هوا را افزایش داده و جان بسیاری از مردم را با خطر مرگ مواجه کرده است، اما رئیس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی اخیراً در باره استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه ها گفته است که شرکت ملی گاز و برق اعلام کرده اند: "سوخت نداریم، ناچاریم از مازوت استفاده کنیم" و "مردم هم باید تحمل" کنند.

در واقع جمهوری اسلامی برای تأمین کسری بودجه سالانه، ارسال سلاح و پول به نیروهای نیابتی خود در یمن، سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و تأمین تجهیزات نظامی برای نیروهای سرکوبگر خود جهت کشتار توده های مردم

اگرچه آلودگی هوا اکنون به معضلی سراسری در کشور تبدیل شده است، اما اراک از جمله کلان شهرهای ایران است که این روزها با آلودگی شدید هوا مواجه است. سر منشاء این آلودگی نیز استفاده از مازوت در سوخت نیروگاه سازند است که مقام های استان مرکزی هم بارها استفاده از این سوخت آلاینده و خطرناک را در نیروگاه سازند تأیید کرده اند.

در ماه های گذشته علاوه بر اراک، مردم اردکان نیز با معضل بزرگ آلودگی هوا مواجه بوده اند. پیش از اعتراضات اراک، صدها تن از مردم اردکان در استان یزد نیز طی چند روز به خیابان آمدند و نسبت به عوارض خطرناک سوخت های فسیلی دست به اعتراض زدند. اولین اعتراض خیابانی آنان روز سه شنبه پنجم دی بود که این اعتراضات خیابانی آنان طی چند روز متوالی ادامه یافت. در اردکان نیز معترضان در اعتراض به وضعیت آلودگی هوا با در دست داشتن پلاکاردهایی مبنی بر اینکه "اردکان هوا ندارد" و "نفس کشیدن حق مسلم ماست"، خواهان توقف استفاده از سوخت های فسیلی در سطح استان شدند.

اردکان از جمله شهرهایی است که هوای آن در بسیاری از روزهای سال به دلیل آلاینده های صنعتی شدیداً آلوده است. این آلودگی باعث شده تا مدارس اردکان در بسیاری از روزهای سال تحصیلی با تعطیلی مواجه گردد. به عنوان نمونه، در اواسط آذرماه سال جاری، مراکز پیش دبستانی و تمام مقاطع تحصیلی شهرهای اردکان، احمدآباد و روستای ترک آباد این شهرستان و شهرهای میبد و بفرویه تعطیل و کلاس ها به صورت غیر حضوری فعال شدند.

معضل آلودگی هوا و مرگ و میر ناشی از آن طی سال های اخیر آنچنان در شهرها و مناطق مختلف کشور شدت یافته که حتی پاره ای از مسئولان بهداشتی و محیط زیستی نیز نسبت به روند رو به افزایش آلودگی هوا و بالا رفتن آمار مرگ و میر ناشی از این بحران زیست محیطی به مقامات حکومتی هشدار داده اند.

داریوش گل علیزاده، "رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست" در میانه آذرماه سال جاری از کشته شدن بیش از ۲۶ هزار نفر در شهرهای مختلف ایران بر اثر آلودگی هوا خبر داده بود. به گفته گل علیزاده، در سال ۱۴۰۱، تنها در تهران بیش از ۶ هزار مرگ و میر منتسب به آلودگی هوا گزارش شده بود که خسارت آن معادل ۳ میلیارد دلار است.

جعفر جندقی، رئیس "مرکز سلامت محیط و کار" وزارت بهداشت هم از افزایش ۳۰ درصدی مرگ های ناشی از آلودگی هوا در یک سال گذشته خبر داده است. به گزارش خبرگزاری مهر، جعفر جندقی روز شنبه دوم دی وضعیت هوا در کشور را "بسیار نامناسب" خواند و گفت: "بررسی شهرهای آلوده نشان می دهد که از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا بیش از ۳۰ درصد افزایش داشته است. فراموش نکنیم در حاکمیت

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی

"اینجا برای آه کشیدن هوا سم است"

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1054 January 2024

پس از نیم ساعت با دخالت مأموران حکومتی از ادامه کاری باز ماند.

این دو تجمع اعتراضی، استادان دانشگاه صنعتی اراک را بر آن داشت تا از خواست و اعتراضات مردم این شهر در توقف مازوت سوزی حمایت کنند. استادان دانشگاه صنعتی اراک با صدور بیانیه ای هشدار دادند که مازوت سوزی در نیروگاه شازند، "سلامت بیش از یک میلیون شهروند مظلوم ساکن شهرهای اراک و شازند را با مخاطره جدی مواجه می کند" و از اینرو خواستار توقف استفاده از این سوخت بسیار آلاینده زیست محیطی در نیروگاه‌ها شدند.

پس از این بود که توده های مردم اراک برای سومین بار در گستره ای بسیار وسیعتر از قبل نسبت به آلودگی هوای این شهر به اعتراض برخاستند. اینبار اما نه با تجمع در محوطه "باغ ملی" که در صدفوی متحد و بهم پیوسته به یک راهپیمایی بزرگ در کف خیابان های اراک اقدام کردند. گستردگی جمعیت و حمایت عمومی و عملی مردم شهر از خواست توقف مازوت سوزی در نیروگاه شازند آنچنان پشتوانه ای برای اعتراضات خیابانی روز سه شنبه ۲۶ دی ماه ۱۴۰۲ فراهم کرد، که عملاً پلیس و نیروهای سرکوبگر حکومتی را از مداخله در متوقف کردن این اعتراضات وسیع خیابانی باز داشت.

در صفحه ۹

مساوی با مرگ خاموش است"، "صادرات گاز را متوقف کنید"، "مازوت سوزی جنایت، سکوت کردن خیانت" و "اینجا برای آه کشیدن، هوا سم است"، از جمله بخشی از دست نوشته هایی بود که یکایک معترضین خیابانی در دست گرفته و با خود حمل می کردند.

تظاهرات ۲۶ دی، سومین سه شنبه اعتراضی مردم اراک بود که اینبار با حضور اعتراضی پر تعداد در کف خیابان ها، خشم و انزجار خود را نسبت به تشدید آلودگی هوا در این شهر ابراز کردند. اولین راهپیمایی اعتراضی آنان روز سه شنبه ۱۲ دی بود. در این روز، گروهی از مردم اراک در اعتراض به آلودگی هوا در محوطه "باغ ملی" این شهر یک تجمع اعتراضی برپا کردند. جمعی که با حضور و دخالت نیروهای سرکوبگر حکومتی بیش از نیم ساعت دوام نیافت. سرکوبگران حکومتی در شروع تجمع، پلاکاردهای معترضان را جمع آوری کردند و پس از نیم ساعت معترضان را متفرق و مانع از ادامه کاری این تجمع اعتراضی شدند.

یک هفته بعد، دومین تجمع اعتراضی مردم اراک باز هم در محوطه "باغ ملی" سازماندهی شد. اینبار جمعیت بیشتری در محوطه "باغ ملی" حاضر شدند و با در دست گرفتن شعارهایی همچنان خواهان توقف مازوت سوزی در نیروگاه شازند بودند. این تجمع اعتراضی نیز



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی